

بیماری که زندگی چند بیمار را رنگ آمیزی کرد



جلائیان) چند روز قبل پس از وقوع یک حادثه در مشهد، امدادگران اورژانس، نوجوانی چهارده ساله به نام «سجاد» رنگ امیزی موسیقی را به بیمارستان قائم^(۳) منتقل کردند. این بستری این نوجوان در بیمارستان، یک تیم پزشکی با نام جوان برای نجات جان او تلاش کردند. اما برپیمایشی پزشکی نشان داد که متأسفانه این نوجوان دچار مرگ مغزی شده است. موضوعی که کادر درمان، آن را با خانواده اش در میان گذاشتند. خانواده سوگوار نوجوانی امیزی موسیقی را از دست دادن فرزند خود بودند. اما پس از اطمینان از موضوع مرگ مغزی، رضایت خود را برای اهدای اعضای بدن سجاد به بیمارستان نیازمند اعلام کردند. پس از انجام مراحل قانونی اهدای عضو، رضایت سجاد به بیمارستان تخصصی منصیره، منتقل شد. اکی تیم جراحی این مرکز تخصصی اهدای عضو پس از فراهم کردن مقدمات، عمل پیوند عضو را آغاز کردند. در جریان این عمل، کادر درمان یکدیگر این نوجوان را به مردی چهل ساله پیوند زدند. پس از پیوند موفق تیم اکیب، جراحان دو قریبه و بخشی از پوست سجاد را برای درمان بیماربان به بیمارستان امام رضا^(۴) و بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد فرستادند.

روی خط
حادثة

اتوبوس سیگاری در پایانه مسافربری توقیف شد

ابوطالب رانده اتوبوس برخلاف همیشه که وقتی به پایانه مسافری می‌رسید و برای استراحت می‌رفت و تخلیه بار و بار به شاگردان و دیگران می‌سپرد، این بار خودش با دقت در جمع‌آوری و سایل مسافران تمرکز داشت. موضوعی که از روش مأموران حرفه‌ای کلاتری با این امام رضا^ع دور نماند و احتمال دادند که شاید او بار خاصی همراه دارد. مأموران جعبه اتومبیل خوار کرد و آن‌ها را روی یک چرخ‌دستی به‌کذاشت و از محل خروج جردن مأموران با دیدن این صحنه به‌سراغ رانده رفتند. رانده مأموران مأموران رنگش پریه موضوعی که باز هم از چشم پلیس دور نماند. افسران کلاتری پایانه امام رضا^ع مشهد از مردم اخسند تابارش رابازکند. رانده که چاره‌ای جز تمکین نسبت به قانون نداشت، بار را ۴۰۰متر گذاشت. مأموران در بازرسی از چمدان‌های همراه او هزار نخ سیگار خارجی قاچاق و بدون هرگونه مجوز، گمرکی کشف کردند. برابر اعلام کارشناسان گمرک، ارزش محموله قاچاق کشف شده ۵میلیارد ریال برآورد شده است. فرد متخلف که سیگارهای قاچاق را از غرب کشور به مشهد آورده بود، با تشکیل پرونده به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شده.

کابل دزدها دستگیر شدند

سهیل دیا اسرقت کابل شگرده ای خاص خودش را می خواهد. و سارقان باید یک حد اقل از اسپیکتی و برق سرشته داشته در یکی از پرورده های دستگیری سارقان کابل در: مامولان کلاترانی نجفی هنگام زنی شبانه در محله: نهرستان و نورفردار حال سوزاندن کابل های مخابرات خود روی پلیس از محل متواری شدند که با سرعت عمل عوامل انتظامی دستگیر و بازرسی از محل ۵۰متر عمل کرده متعاند و سابقه دار هستند در بازجویی های به عمل آمده ۳۰ فقره سرق کابل های برق در محدوده بلوار وکیل آباد، طریقه، شاهمانه، عرب و صدرتی مشهد در محدوده جنوب شهر مشهد اعتراض کردند. در ادامه پس از تشکیل پرونده، متهمان به مقام قضایی معرفی شدند.

گنجی که در زندان کشف شد!

دیده! دو جوان بودند و با دست یافتن به یک دستگاه گنج‌یاب، راهی نقاط تاریخی استان شده بودند تا بتوانند با یافتن گنج‌های خیالی، زندگی‌شان را رونق بدهند. غافل از اینکه از سوی پلیس دستگیر شده و باید گنجشان را در کرکج زندان جست‌جو کنند. در پیگامی‌های پررونق، «امور» بخشی انتظامی رضویه هنگام گشتی‌زنی شبانه در محاورهای فرعی حوزه استحفاظی به یک دستگاه سواری پراید با دو سرنشین مرد مظنون شدند. «امور» انتظامی پس از متوقف کردن خودرو با اعلام هشدار دهند، در بازرسی از خودرو و دستگاه گنج‌یاب و ابزار آلات حفاری کشف کردند. هم‌زمان با توقیف این خودرو و دستور قضایی، متهام‌ان از تشکیل پرونده برای سوءمراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

هشدار

باتر قه بازی، امدادگران را درگیر حوادث نکند

ایسا! در پیامی از سوی دفتر سلامت و تندرستی وزارت آموزش و پرورش، اعلام شد که در روزهای پایانی سال، بیش از هر زمان دیگری به آرامش نیاز دارد و رعایت نکات ایمنی از سوی شهروندان اهمیت زیادی دارد. در این پیام از مردم درخواست شده است تا از انجام ترقه بازی و آتش بازی در چهارشنبه سوری خودداری کنند، چرا که صدای انفجار می تواند موجب ترس و نگرانی هم وطنان شود و همچنین زیرسرویه های امدادی و درمانی را با حوادث غیرضروری درگیر کند. این دفتر با تأکید بر حفظ آرامش جامعه و پیشگیری از آسیب های احتمالی، از شهروندان خواست با پرهیز از رفت و آیدهای پرخطر، در روزهای پایانی سال همکاری کنند.

ماجرای سرقت عمده از یک نقره‌فروشی در مشهد، پلیس را به یک مسافرخانه رساند

دستگیری مهمان شوم یک مهمان پذیر



رادر اتاقکی اجاره ای در یک مهمان پذیر دستگیر کردند. پس از دستگیری متهم، مأموران درباررسی از اتاق مسافرخانه، موفق به کشف مهمان سرتیبی زنی شدند که شامل یک کیلو و ۵۰۰ گرم نقره سرتیبی، یک جاد ساعت مچی مارک دار، یک ترازوی دیجیتال، یک تلف همراه، ۲۸۰ هزار دینار عراقی، ۶۰۰ میلیون ریال وجه نقد، دوربین مدار بسته، تجهیزات ضبط تصویر، ۸۰ بسته کیک، ۲ دستگاه دریل و... بود. نمی توان به سوابق متعدد متهم و آگاهی های زیاد متوجه نمی تواند منکر انجام جرائمش شود، بدون اینکه طفره برود، در بازجویی فنی علاوه بر سرتی از مغازه نقره فروشی، به پنج قفله سرتی دیگر شامل وزنه نقره و زعفران از واحدهای تجاری در هشت مرکز شهر مشهد ارجاع شد.

خرید نقره شده اما فقط یک بار کالایی ارزان قیمت خریده و رفته است. پس از تأیید چهره متهم، مأموران با استفاده از تجهیزات نوین پلیس موفق شدند متهم را که جوانی سابقه دار بود، شناسایی کنند.

● ردزنی متهم در اتاقک اجاره‌ای

پس از شناسایی متهم، نوبت به ردنی محل اختفایش رسید. اگرچه متهم شگرد خاصی برای پنهان شدن به کار برده بود و حتی خانواده‌اش چندین سال او را گمناک کرده بودند، اما مأموران در اقداماتی گسترده، متهم را در یکی از مسافرخانه‌های هسته مرکزی شهر ردنی کردند. درگام آخر این پرونده، مأموران پس از هماهنگی قضایی، در عملیاتی ضربتی متهم

چون به ناگهی مغازه‌اش را باز کرده و هزینه زیادی برای نصب دکور، تزئین و پیرترین و نورپردازی کرده است. او در واقع گفت که به رغم نیاز صنفش به رعایت مسائل امنیتی، جز دو قفل کرکره و دستگاہ قدیمی دوربین مداربسته‌اش، حتی هزار تومان بیش از این برای حفظ امنیت مغازه‌اش هزینه نکرده است و فقط یک عدد دوربین و دستگاہ ضبط داشته که سارق آن را زینت باورده است.

پس از ثبت اظهارات مال باخته، تحقیقات میدانی کارآگاهان آغاز شد. مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته و احداثی‌های اطراف این واحد صنعتی پرداختند. هرچند شواهد محل سرقت نشان دهنده مهارت بالای سارق یا سارقان بود، مأموران با بررسی تصاویر مداربسته در محدوده وقوع سرقت دیدند که این کلاه‌دزد در ساعات اولیه باده توسط یک سارق انجام شده است. در ادامه بازبینی تصاویر، مشخص شد که مته‌م بایک کوله پشتی وارد دروازه شده و حدود ۱۵ دقیقه بعد، پس از خالی کردن نقره جات از داخل مته‌ترین‌ها، دوباره کرکره را پایین کشیده و گریخته است.

کارآگاهان با توجه به شگرد سرقت به این نتیجه رسیدند که احتمالاً او پیش از این مغازه را زیر نظر داشته و شناسایی متهم با استفاده از تجهیزات نوین پلیسی و در روزهای پیش از این سرقت شد. تلاش ها ادامه داشت تا اینکه مأموران موفق به چهره زنی تعدادی مفقود شدند. مال باخته با مشاهده تصاویر این افراد یکی از آن ها را شناخت و با جدا کردن یک تصویر مدعی به شد که صاحب این عکس، دست کم چهار یا پنج بار به مغازه‌اش مراجعه کرده است. اما چند چند فکر دیگر آمد و گفت که متهم هر بار وارد مغازه اش شده، ابتدا آمدن و

سعيد جلايان

زارش

گزارش

هم زمان با افزایش قیمت فلزات گران بهاز جمله نقره، یکی از کسبه در هاستمه مرکز شهر نطنز تنها با سرمایه ای، بلکه با پول دوستان و اقوامش چند کیلو نقره خرید و بهترین مغازه اش را از یوزرالات و سامجه نقره پر کرد. او از کسب و کارش و سود خوبی که به دست می آورد، راضی بود تا اینکه صبح زود چند روز قبل، فروشنده مغازه مجاورش با او تماس گرفت و خبر از بریده شدن قفل کرکه های مغازه اش را داد. مرد جوان با شنیدن این خبر، خواب از سرش پرید و با وجود استرس زیادی که داشت، هرطور که بود خودش را به مغازه رساند. او وقتی کرکه دکانش را بالا داد، دو دستی به سرش کوبید. کسبه و همسایه ها به کمک مرد جوان رفتند و با پلیس تماس گرفتند. مالک و واحد صنفی، گواهی از همسایه های مغازه گرفت و خودش به پلیس گفت که بیش از دو کیلو نیم نقره در ویترین مغازه داشته که حتی یک گرم از آن باقی نمانده است. او اضافه کرد اجناس دیگری نیز از مغازه اش به سرقت رفته، اما در مقابل ۱۷ میلیارد ریال نقره ربوده شده، آن ها ارزشی نداشته اند. در ادامه، گروهی از کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد به محل سرقت اعزام شدند.

دقیقگی سی از اعلام این سرت، با حضور کارآگاهان
تجربیهی قتل‌ها، مشخص شد که این سرت در حالی
که بر سرش شده که سارق یا مخفیان را پیدا تلاش کرده‌اند
آنجا آمدند و با بالید بازکنند اما این از اینکه تا کام
مانده‌اند، دو قفل کتابی را استفاده از ابزارهای شکسته
و وارد مغازه شده‌اند. درآمد، این سؤال ایجاد شد
که چرا دزدگیر مغازه به صدا درنیامده و دوربین مغازه
بجاست؟ مغازه دار به پاسخ به این سؤال توضیح داده
که هیچ یک از پولتکلیف امنیتی رعایت نکرده،

خب

محمد جواد ابوظفا؛ پسر جوان روی نیمکت نشسته بود و گوشه‌اش را با یک کلاه مشکی به رنگ آبی تیره پوشانده بود. او در آنجا ایستاده بود و به فکر می‌انداخت که چگونه می‌تواند از این وضعیت نجات یابد. او به یاد می‌آورد که چگونه در آن روزها، در آن مکان، در آن زمان، چگونه احساس می‌کرد که تنها است. او به یاد می‌آورد که چگونه در آن روزها، در آن مکان، در آن زمان، چگونه احساس می‌کرد که تنها است.

به خرده فروشی مواد مخدر را زیر نظر گرفته بودند و با اقدامات میدانی، متوجه شده بودند که حوزه توزیع مواد مخدر این ساقی در یکی از بوستان های سطح منطقه قاسم آباد است و برای همین این بوستان را زیر نظر گرفته بودند که متوجه حضور پسر جوان شدند. در این میان، مأموران با تجربه ای که دارند، احتمال دادند که این فرد یکی از مشتریان همان ساقی تحت تعقیب باشد، به همین دلیل چراغ خاموش در تاریکی بی حرکت نشسته و منتظر ماندند تا تهمره اصلی وارد شد. زمان زیادی نگذشت و مأموران متوجه چراغ دادن خاص خودرویی شدند که در انتهای ای کوچه منتهی به بوستان در تاریکی متوقف شده بود. با چراغ سوئی که داد، پسر جوان شبیه پسر پره ای که به سمت نور جذب می شود، از جایش بلند شد

رویس از پند حرکت کششی که به بدن داد و اطراف را بپاید، به سمت خودروی انتهای بوستان حرکت کرد. نزدیک خودرو که رسید، راننده خودرو دو چراغ دیگر داد و بلافاصله پسر جوان روی نیمکت دیگری در همان حوالی نشست. علامت دادن خاص با چراغ خودرو که آغاز شد، این بار راننده نیز از خودرو پیاده شد و به خودرو تکیه داد. پسر جوان نیز به سمت او رفت. آن‌ها به همسته شده بودند کسی مراقبتان نیست، راننده بسته ای کوچک از جیب بیرون آورد، گوشه دو پسر داد و پسر جوان نیز با بیرون آوردن گوشی، اقدام به پرداخت وجه کرد. هیچ یک از این صحنه ها از چشم مأموران دورنمانده بود.

مأموران پلیس که مطمئن شدند سوزه شان را درست شناسایی کرده اند و او در حال ارتکاب جرم است، بلافاصله عملیات دستگیری متهم

و آغاز کردند. با روشن شدن چراغ‌گران خودروی پلیس و دستور ایست اعلام شده، پسر جوان بستگی دید و راننده نیز کسی کرد سوار خودروی خود و به سمتی که مأموران راهی راسد کردند. مأموران کلانتری قاسم را به که توانستند این متهم را در بزنگاه فروش مواد مخدر دستگیر کنند، او را به همراه خودروی پژو پارسی به کلانتری منتقل کردند.

افسران تجسس کلانتری قاسم آباد در بازرسی از خودروی متهم، مقادیری مواد مخدر شبیه تریاک در بسته های آماده فروش کشف کردند. همچنین مقادیری وجه نقد حاصل از فروش مواد مخدر از متهم به دست آمد.

همان زمان باتوقیف این خودرو، پسر پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

دستگیری یک ساقی مواد مخدر که بیشتر مشتریانش جوانان پارک نشین بودند

شکار شکارچی جوانان شہر!

و آغاز کردند. با روشن شدن چراغ‌گران خودروی پلیس و دستور ایست اعلام شده، پسر جوان بستگی دید و راننده نیز کسی کرد سوار خودروی خود و به سمتی که مأموران راهی راسد کردند. مأموران کلانتری قاسم را به که توانستند این متهم را در بزنگاه فروش مواد مخدر دستگیر کنند، او را به همراه خودروی پژو پارسی به کلانتری منتقل کردند.

افسران تجسس کلانتری قاسم آباد در بازرسی از خودروی متهم، مقادیری مواد مخدر شبیه تریاک در بسته های آماده فروش کشف کردند. همچنین مقادیری وجه نقد حاصل از فروش مواد مخدر از متهم به دست آمد.

همان زمان باتوقیف این خودرو، پسر پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

رویس از پند حرکت کششی که به بدن داد و اطراف را بپاید، به سمت خودروی انتهای بوستان حرکت کرد. نزدیک خودرو که رسید، راننده خودرو دو چراغ دیگر داد و بلافاصله پسر جوان روی نیمکت دیگری در همان حوالی نشست. علامت دادن خاص با چراغ خودرو که آغاز شد، این بار راننده نیز از خودرو پیاده شد و به خودرو تکیه داد. پسر جوان نیز به سمت او رفت. آن‌ها به همسته شده بودند کسی مراقبتان نیست، راننده بسته ای کوچک از جیب بیرون آورد، گوشه دو پسر داد و پسر جوان نیز با بیرون آوردن گوشی، اقدام به پرداخت وجه کرد. هیچ یک از این صحنه ها از چشم مأموران دورنمانده بود.

مأموران پلیس که مطمئن شدند سوزه شان را درست شناسایی کرده اند و او در حال ارتکاب جرم است، بلافاصله عملیات دستگیری متهم

به خرده فروشی مواد مخدر را زیر نظر گرفته بودند و با اقدامات میدانی، متوجه شده بودند که حوزه توزیع مواد مخدر این ساقی در یکی از بوستان های سطح منطقه قاسم آباد است و برای همین این بوستان را زیر نظر گرفته بودند که متوجه حضور پسر جوان شدند. در این میان، مأموران با تجربه ای که دارند، احتمال دادند که این فرد یکی از مشتریان همان ساقی تحت تعقیب باشد، به همین دلیل چراغ خاموش در تاریکی بی حرکت نشسته و منتظر ماندند تا تهمره اصلی وارد شد. زمان زیادی نگذشت و مأموران متوجه چراغ دادن خاص خودرویی شدند که در انتهای ای کوچه منتهی به بوستان در تاریکی متوقف شده بود. با چراغ سوئی که داد، پسر جوان شبیه پسر پره ای که به سمت نور جذب می شود، از جایش بلند شد

محمد جواد ابوظفا؛ پسر جوان روی نیمکت نشسته بود و گوشه‌اش را با یکم کرد. انگار که هیچ کاری نداشت و آن قدر بیکار بود که سرهای رابه تن خرید و به یاد کرده آمد بود. پسر جوان، هیچ فردی در این بوستان ت فقط گاهی صدای خودرویی خلو ت ای کوجه می گذشت. شکست. پسر جوان نیم ساعتی آنجانب در این خلل دوبار هم رفتنی باقری مکالمه ای کوتاه که شروع نشده تمام ن که او پس از رانیتزر داشتند. ده که او پس وقت شب و در این سرما نشسته و قطعا منتظر کسی است. موران چندین شب بعد که منتهی



جلائیان؛ صبح دیروز دودی سیاه در برخی نقاط از شمال و شرق مشهد مشاهده شد. هرچند در ابتدا مشاهده دود در برخی از مناطق سبب شکل گیری برخی شایعات شد، با حضور و عملکرد فوری امدادگران آتش‌نشانی، این شایعات همچون حریق هاردو حادثه مهار و خاموش شدند. نخستین آتش‌سوزی حوالی ۹:۴۰ صبح دیروز در یکی از انبارهای ضایعات روبراز رخ داد. امدادگران که نفع‌تها در سال‌های اخیر، بلکه از ابتدای سال بارها برای اطفا آتش‌سوزی‌ها گسترده در انبارهای ضایعات عملیات‌های متعددی انجام داده بودند، با حضور بموقع در محل از گسترش حریق جلوگیری و آتش را خاموش کردند. دقایقی پس از پایان عملیات اطفا این حریق، حادثه‌ای مشابه این بار در شرق مشهد گزارش شد. بلافاصله پس از اعلام آتش‌سوزی در یکی از انبارهای ضایعات روستای جیم‌آباد، در حالی که دود غلیظ و سیاه رنگی از سواختن لاستیک‌های فرسوده به آسمان پراخته بود، امدادگران این حریق را در مدت کوتاهی خاموش کردند.

عکس خبر

آتش سوزی در ۲ انبار ضایعاتی

[illegible]